

فلسفه تربیت اسلامی

تألیف دکتر ماجد عرسان کیلانی

ترجمه، نقد و اضافات بهروز رفیعی

ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها با همکاری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سال نشر 1389 :

تعداد صفحات 595: صفحه

بخش اول: اهمیت پژوهش در فلسفه تربیت اسلامی شامل 5 فصل:

فصل ۱: جایگاه فلسفه تربیت در فعالیت تربیتی

فلسفه تربیت سرچشمه اهداف، برنامه ها، روش ها، ابزارهای آموزش و ارزشیابی است. لذا درستی و کارایی همه این ها به درستی و کارایی فلسفه تربیتی که از آن سرچشمه گرفته اند بستگی دارد. فلسفه تربیتی کارآ و درست از ویژگی هایی چون معرفی اهداف نهایی انسان به جای اکتفا به تولید ابزارها و روش های تربیتی، به کارگیری روش های مناسب برای تحقق اهداف و دارای نظام چرخه ای انعطاف پذیر و متحول است.

فصل ۲: بی ثباتی مفهوم فلسفه تربیت در پژوهش های غربی و جهانی معاصر

در غرب فلسفه های تربیتی متعددی چون فلسفه تربیتی مسیحی، ایده آلیسم، رئالیسم، پراگماتیسم، اگزیستانسیالیسم، مارکسیسم و... وجود دارد که به علت برداشت متفاوت در هستی شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی و اختلاف در تعریف مفهوم فلسفه تربیت و تعیین محتوا و محور آن با هم اختلاف دارند.

فصل ۳: نیاز به فلسفه تربیتی جدید برای رهایی از بحران

در قرن بیستم، فهم محدود و ناقص از دین و دانش باعث جدا شدن این دو از هم شد. جدایی دین از دانش به نتایجی چون مخالفت با پیشرفت و تحول، اندیشه، پژوهش و نظرات نو، اطاعت کورکورانه، دعوت به سکوت به جای مبارزه با مشکلات منجر شد. از سوی دیگر جدایی دانش از دین باعث نگاه کالایی به دانش و محال دانستن پژوهش در جنبه های معنوی شد. لذا اکنون ما نیاز به فلسفه تربیتی جدیدی داریم که بتواند به مردم در زندگی مبتنی بر عشق و یاری، کشف روابط خود و دیگران، اقع گرایی، قدرت سازگاری با تغییرات و... کمک کند.

فصل ۴: نیاز به فلسفه تربیتی اسلامی مشخص

علت ناتوانی موسسات تربیتی اسلامی در پرورش انسان هایی که بحرانها را تشخیص دهند و به خوبی حل کنند بیگانگی با واقعیات زندگی و فرونهادن عقل است که به تقلید صرف از گذشتگان یا غرب زدگان معاصر منجر می شود. ما نیازمند یک فلسفه تربیتی هستیم که با رسالتی اصلاح گر به دنبال مقابله با خطرات پیش روی

جهان‌السام و پاسخگویی به نیازها و آرمانهای آن باشد و نظریه‌های جدیدی برای حل بحرانهای انسانی جهان ارائه دهد.

فصل ۵: روش پژوهش و ماهیت آن

روش پژوهش مناسب روشی است که به بازشناخت و تحلیل به جای محکوم و رد کردن، تزکیه به جای تمجید، تجددگرایی به جای سنت‌گرایی، مطالعه طولی و عرضی به جای مطالعه جزء به جزء بپردازد. نکته دیگر این که کاربرد کلمه فلسفه در اسلام‌بنا بر این دلایل روا است. 1. ضرورت استفاده از اصطلاحات جهانی در دهکده جهانی (چنان که پیامبر با هر قومی به زبان خودش سخن می‌گفت). 2. وجود لغات غیرعربی در قرآن. 3. ارزش ویژه‌ها به محتوای آنها است نه مصدر و لذا فلسفه مورد نظر ما فلسفه به عنوان روش تفکر درباره هستی است نه مجموعه‌ای باورها و مفاهیم خطاپذیر انسانی. 4. بدون استفاده از این واژه نمی‌توان مفهوم اسلامی آن را وارد جریان فکری جهان کرد و...

بخش دوم: هستی‌شناسی، شامل 5 فصل:

فصل ۶: رابطه انسان و خدا (عبودیت)

نمادهای عبودیت عبارتند از 1. نمود آیینی (انجام اعمال دینی) که نتیجه آن تعادل روحی است و علوم دینی مبتنی بر آن است؛ 2. نمود اجتماعی (شرکت مؤثر فرهنگ) که نتیجه آن کاربرد عملی است و علوم اجتماعی مبتنی بر آن است و 3. نمود آفاقی (شناخت و استفاده صحیح از طبیعت) که نتیجه آن اقناع عقلی است و علوم طبیعی مبتنی بر آن است. عمل صالح در نتیجه ترکیب این سه به دست می‌آید. غفلت از عبادت در غرب باعث محدود شدن اخلاق به محل کار، اضطراب روحی، سقوط اخلاقی، تناقض در زندگی و... شده است. در جوامع اسلامی، عدم توجه به نموده‌های سه‌گانه عبادت در ارتباط با هم باعث گذشته پرستی صرف یا غرب زدگی منجر می‌شود.

فصل ۷: رابطه انسان و طبیعت (تسخیر)

تسخیر یعنی شناخت قوانین طبیعت به منظور استفاده درست از آن با هدف رسیدن به ایمان مبتنی بر علم، بقای نوع بشر، افزایش عشق و اطاعت و... که در پرتو استعدادهای انسان و استفاده از ابزارهای مناسب ممکن است. بی‌توجهی به تسخیر در جوامع اسلامی مانع اسلامی سازی علوم طبیعی و پیشرفت علمی و باعث افزایش مصرف‌گرایی در غرب زدگان شد. در کشورهای غربی نیز غفلت از ارتباط تسخیر و عبودیت باعث چالش با طبیعت، مصرف‌گرایی صرف و... شد.

فصل ۸: رابطه انسان با انسان (عدل و احسان)

عدل یعنی انصاف و معامله به مثل که باعث بقای انسان می‌شود و احسان یعنی لطف و فزونی در رفتار نیک که باعث تعالی انسان می‌شود. نبودن عدل و احسان باعث از بین رفتن عقل و اراده و مسؤولیت‌پذیری، طغیان ظالمان و استضعاف مظلومان، بی‌بنيگی اجتماعی و استیلای بیگانگان و فروپاشی امت می‌شود. امروزه در

جوامع اسلامی به جای عدل و احسان، رابطه مبتنی بر علائق تعصب آمیز و فرقه گراییانه حاکم است و در غرب روابط بر اساس تنازع بقا و منافع متقابل است.

فصل ۹: رابطه انسان با زندگی (ابتلا)

ابتلا یعنی سنجش عبودیت انسان در برخورد بادی ها یا نیکی هاطبق قوانین خاص با هدف رساندن آنها بقا و تعالی کامل. نابرابری و فتنه هر کدام نوعی ابتلا هستند که باید به برخورد درست با آنها توجه کرد. در جوامع اسلامی با برداشتی غلط، ابتلا را یا فقط بدی می دانند که باید تحمل کنند یا فقط نیکی که باید از آن بهره گرفت یا رابطه ابتلا را نفی میکنند و آن را رابطه مجازات و پاداش می دانند و منتظر می مانند خود خدا سزای ستمگران را بدهد. در غرب نیز رابطه انسان و زندگی را مصرف می دانند نه ابتلا که باعث مشکلات اجتماعی، اقتصادی، ارزشی و ... می شود.

فصل ۱۰: رابطه انسان با آخرت (مسئولیت و پاداش)

اگر در رابطه با عبودیت مورد توجه نباشد باعث سرکشی قدرتمندان می شود. در حالی که مسئولیت در نسبت با خدا و در دو حوزه اخروی و اجتماعی مطرح می شود. در غرب به جای مسئولیت به حقوق توجه می کنند که باعث افزایش مطالبات و رقابت، منفعت طلبی، بی توجهی به معیارهای اخلاقی در استفاده از تخصص و ... می شود.

بخش سوم: نظریه شناخت در تربیت اسلامی، شامل ۸ فصل:

فصل ۱۱: معنا، غایت و اهمیت شناخت

شناخت در مرتبه اول یعنی قرائت کتاب آفرینش (شامل آیات مربوط به سه قلمرو آیینی، آفاقی و انفسی) و در مرتبه دوم یعنی مطالعه مکتوبات حاصل از قرائت در مرتبه اول. غایت شناخت، عبودیت خدا است که به بقا و تعالی می انجامد. اهمیت این شناخت از آن رو است که به کمال انسان و صلح و حدت کمک می کند، اما اگر جدا از شناخت خدا باشد با توجه به توابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باعث احساس استقلال و بی نیازی از خدا می شود و ...

فصل ۱۲: منبع شناخت و نقش انسان در آن

خدا یگانه منبع شناخت است که حقایق را ایجاد می کند و نقش انسان در شناخت، صرفاً قرائت این حقایق و بهره وری دینی برای پیشرفت اهداف و وسایل زندگی است.

فصل ۱۳: حوزه های شناخت

حوزه های شناخت عبارتند از: بخشی از حوزه غیب (هستی فراحسی) که قابل تبدیل به امور محسوس است و حوزه شهادت (حوزه های انفس و آفاق). دلایل حوزه غیب در عالم شهادت است و آفریده ها به طور مداوم بین این دو عالم در رفت و آمدند. شناخت حوزه شهادت در گرو شناخت فرایندهای آفرینش است که عبارتند از: پدیده های جفت بودن، سببیت، وحدت و کثرت، سنت و قانون، خلق مداوم و تحول آن.

فصل ۱۴: ابزارهای شناخت: وحی، عقل، حواس

وحی غایت و مسیر و حوزه حرکت عقل و حس را مشخص می کند و معیارهایی می دهد تا دچار انحراف فکری و توهم و خرافه نشوند. عقل باعث استفاده درست و غایتمند از نتایج وحی در جهت عبودتی می شود و وسایل تحقق آن را فراهم می کند و با کمک حس برای آنچه در وحی آمده استدلال پیدا می کند. گسست این سه در تمدن اسلامی باعث ماندن در مراحل پایین شناخت (تکیه بر میراث به جای خلاقیت)، اغتشاش فکری و روشی، نسبت دادن عقب ماندگی ها به غرب به جای ریشه یابی آن و تحقیر فرهنگ غرب و در تمدن جدید باعث تک بعدی شدن، تجربه گرایی افراطی، مادی گرایی و ... می شود.

فصل ۱۵: اهل شناخت

اهل شناخت شامل پیامبران (خواندن کتاب آفرینش از طریق وحی)؛ عالمان دینی، اجتماعی و طبیعی (به ترتیب، مطالعه آیات و احکام، انفس و آفاق در وحی)، و معلمان و اعظان و شاگردانشان هستند. همه این گروهها باید با یکدیگر و با گروه های دیگر ارتباط داشته باشند.

فصل ۱۶: زبان شناخت

زبان الهی ناقل معارف الهی انبیا است و سه ویژگی مطلق بودن، جاودانگی و غنی بودن دارد. زبان بشری ناقل معارف عالمان است جزئی و محدود و محسوس است. در آمیختن این دو زبان، باعث مشکلاتی چون تحریف زبان الهی و فهم آن بر اساس زبان بشری می شود.

فصل ۱۷: حقیقت و گونه های آن

دو نوع حقیقت داریم: حقایق الهی که مطلق و جاوید و کلی اند و حقایق بشری که نسبی و موقتی و جزئی اند. سقوط حقایق الهی به حقایق بشری در جوامع غربی باعث نسبی شدن ارزش ها و آمیزش وظایف شده و بالابر دن تجربه بشری در حد حقایق الهی در جوامع اسلامی باعث کلی و الزامی شدن حقایق بشری، تعصبات دینی و ...

فصل ۱۸: همکاری علوم دینی و طبیعی

اساس این همکاری یکی بودن منبع، اهداف و ابزار شناخت است. مراحل این همکاری عبارت است از: تعیین غایات جامعه توسط علوم دینی؛ ایجاد وسایل نیل به غایات توسط علوم طبیعی؛ ایجاد تمدن؛ غایتگذاری و وسیله سازی مداوم با توجه به تغییرات. اما کژفهمی دین و عدم درک ارتباط علوم دینی و طبیعی با قطع همکاری این دو باعث مادی گرایی و رکود و از هم پاشیدگی جامعه می شود.

بخش چهارم: نظریه ارزشها در تربیت اسلامی، شامل 6 فصل:

فصل ۱۹: مفهوم، اهمیت و تقسیم ارزشها

ارزش: معیار داوری در مورد کاربردهای عملی جزئیات روابط عناصر پنجگانه وجود بر اساس سلسله مراتب نیازهای انسانی

علل اهمیت ارزشهای تربیت اسلامی: جایگاه ارزشها در اجتماع انسانی؛ پیچیدهتر شدن پدیدههای اجتماعی بشر و نیاز انسان معاصر به درک عمیق هویت خود و احساس تعلق خود، فروپاشیده شدن مرزهای میان فرهنگ های محلی

و منطقه‌ای و قاره‌ای و درهم آمیختن ارزش‌های جهانی و نیاز جدی به هدایت تخصصی این وضعیت؛ تاکید روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بر نقش دین در ارزش‌ها؛ ضرورت بازگشت جامعه اسلامی به ارزش‌های خود تقسیم بندی ارزش‌ها: ۱. از نظر هدف: ارزش‌های برآمده از نهاد انسان و جامعه؛ ارزش‌های ناشی از مصالح و گرایش‌های موقتی ۲. از نظر موضوع: ارزش‌های زیبایی‌شناختی؛ ارزش‌های ابزاری؛ ارزش‌های اخلاقی ۳. از نظر گستره: فردی و اجتماعی

فصل ۲۰: تقسیم بندی اسلامی ارزش‌ها

۱. ارزش‌های تقوا: شامل سه بعد دینی (ایمان به غیب، نبوت، آخرت و...)؛ اجتماعی (تعادل اقتصادی) و معرفتی (آگاهی از هدایتی که به فلاح می‌رساند)؛ سلسله مراتب هر می ارزش‌های تقوا: اسلام؛ ایمان؛ احسان
۲. ارزش‌های کفر: سلسله مراتب ارزش‌های کفر: کفر خوشگذرانی؛ کفر زیر دست بودن؛ کفر محرومیت؛ خطرات ارزش‌های کفر: پرداختن صرف به مادیات؛ بی‌اعتنایی به عهد و پیمان در روابط؛ گسترش خودپسندی، حسادت و کینه‌توزی؛ ستم دینی و سختگیری اعتقادی به مخالفان؛ بر افروختن درگیری بین جوامع و...
۳. ارزش‌های نفاق: همراهی با ارزش‌های کفر و ایمان به منظور تأمین منافع خود از هر دو؛ بی‌توجهی به اصول و افکار و اخلاق؛ حل مشکلات با نشست‌های مخفیانه، پیمان‌های متناقض و...

فصل ۲۱: چالش میان نظام های ارزشی و پیشرفت انسانی

قوانین این چالش‌ها: ۱. ایجاد و گسترش ارزش‌های جدید تقوا ۲. پراکنده شدن ارزش‌های تقوا در جامعه‌ی انسانی ۳. گسترش رویارویی طرفداران ارزش‌های تقوا با طرفداران ارزش‌های کفر و نفاق ۴. برتری یافتن تدریجی ارزش‌های تقوا ۵. توانمندی و قاطعیت ارزش‌های تقوا و گرایش اکثریت به آن ۶. فراگیر شدن ارزش‌های نفاق و حاکمیت آن ۷. پیروزی مجدد ارزش‌های کفر و رواج مجدد فتنه و ستم

فصل ۲۲: تناقضات ارزشی در مراکز آموزشی کشورهای اسلامی

تناقض منابع (منبع جاهلی، منبع اسلامی؛ منبع تمدن‌های کهن؛ منبع تمدن جدید غرب)
ارج نهادن به پژوهش علمی و سطحی بودن معرفت رایج در حوزه‌ی تحصیلکردگان، جامعه، همایش‌های علمی جهانی و روش‌های پژوهش
تناقض آموزش نظری و کاربرد علمی
فقدان ارزش‌های ابزاری مطمئن در زندگی روزمره
فقدان ارزش‌های هنری مربوط به زندگی اجتماعی عمومی
فقدان ارزش‌های اجتماعی

فصل ۲۳. مسوولیت تربیت در قبال مشکلات حوزه ارزش‌ها

بازنگری و نوسازی ارزش‌ها

هماهنگی کار نهادهای تربیتی در گزینش و طرد ارزش‌ها

پذیرش روش‌های علمی تربیت برای بازسازی ارزش‌ها و تحکیم آن‌ها

فراهم کردن شرایط و نهادهای مناسب برای تثبیت ارزش‌های مثبت و گسترش آن‌ها همراه با رعایت مواضع عملی و نیازهای تازه

فصل ۲۴: بحران ارزش‌ها در تربیت جدید

تناقض در مصادر ارزش‌ها

افراط‌گرایی فلسفه‌های تربیتی در تعیین معنای ارزش‌ها و تناقض آن‌ها

دشواری تعیین معنای ارزش‌ها

سطحی بودن فرهنگ

بخش پنجم: طبیعت انسان در تربیت اسلامی، شامل 5 فصل

فصل ۲۵. منشأ انسان و تحول طبیعت او

نقد داروینسیم: تفاوت ساختار جسمی انسان با سایر حیوانات؛ روحیه و گرایش دوگانه انسان نسبت به مکان؛ وجود اصل فداکاری در زندگی انسان نه صرفاً اصل منفعت و توانایی؛ وجود دین و هنر در زندگی انسان و...
بینش قرآنی: فراخواندن انسان به مطالعه‌ی آفرینش با مشاهده‌ی طبیعت و بررسی تاریخ و گونه‌های حیات و تحول آن؛ سیر تکاملی فرایند آفرینش انسان (طبق این بینش حقیقت انسان نفس او است و تربیت صالح روح بشری را به کمال می‌رساند)

فصل ۲۶: ضعف طبیعت انسان

انسان طبق شواهد تاریخی، روان‌شناختی و اجتماعی دارای ضعف‌هایی ذاتی است هم‌چون: میل به کتمان حقیقت، تمایل به بخل، احتکار و مال‌پرستی، گرایش به غرور، گستاخی، خودنمایی و تظاهر در هنگام وفور نعمت و یأس و ناامیدی هنگام فقدان نعمت، میل به شتاب‌زدگی و زیاده‌روی، ناتوانی از پذیرش مسؤولیت و استعداد خیانت و... اساس این ناتوانی‌ها در تناقض بین روح بشری و روح انسانی (ترکیب جسم و روح) که طبیعت انسان را می‌سازند است و این امر اهمیت تربیت برای هم‌سو ساختن ابعاد جسمی و روحی انسان را نشان می‌دهد.

فصل ۲۷: مؤلفه‌های طبیعت انسان

اتقان آفرینش انسان یعنی فراهم بودن همه شرایطی که انسان را قادر می‌سازد سازوار با ویژگی‌های فطری خود و هماهنگ با نوامیس هستی رشد کند.

مؤلفه‌های نفس بشری (جسم): پدیده‌های مرگ و زندگی؛ روزی و تنگدستی؛ پیروزی و شکست؛ موفقیت و ناکامی و... که همه دارای سنن و قوانین خاص خود هستند و با شناخت این سنن و قوانین می‌توان سلامت جسم را تأمین نمود.

مؤلفه‌های نفس انسانی (روح): صحت و سلامت آن در گرو علم به خدا و اطاعت از او و هماهنگی با قوانین و سنن آفرینش است. محیط آن: آزادی؛ محافظ آن: عدالت؛ درمان آن: رسالت‌های اصلاحی. وسائل فراهم ساختن این مؤلفه‌ها: تربیت صحیح، رهنمودهای تبلیغی و فرهنگی صالح، اقدامات اداری عادلانه برای حفظ کرامت و آزادی انسان و...

فصل ۲۸: نیاز مردم به تربیت میانه متعادل

تلاش برای آراستن انسان به رفتار متعادل در همه‌ی فعالیت‌های نفس بشری و نفس انسانی در هر حوزه

بخش ششم: چند یادآوری و خاتمه. شامل 3 فصل که خلاصه‌ای از کتاب است.

فصل ۲۹: نکاتی درباره فلسفه تربیت اسلامی

فصل ۳۰: نکاتی درباره فلسفه‌های تربیتی جدید

فصل ۳۱: سخن پایانی